

## مصرف‌گرایی و امکان تصمیم عقلانی: بررسی تطبیقی رمان نگران نباش مهسا محب‌علی و داستان «ای اند پی» جان آبدایک

زکریا بزدوده\*

سیروس امیری\*\*، اسحاق بزدوده\*\*\*

### چکیده

جان آبدایک (۲۰۰۹-۱۹۳۲) از داستان‌نویسان معاصر آمریکایی است که داستان‌های متعددی درباره شهروندان طبقه متوسط در جامعه مصرف‌گرای آمریکای معاصر نوشته شده است. حاصل توجه او به وضعیت این طبقه، داستان‌هایی است که به مسائلی چون اراده فردی و جمعی، اخلاق و مسئولیت اجتماعی می‌پردازند. یکی از نمونه‌های این آثار داستان کوتاه «ای اند پی» است. رمان نگران نباش، اثر مهسا محب‌علی، که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، از لحاظ شرایط تصمیم‌گیری، به ویژه انتخاب اخلاقی که منتج به تصمیم‌گیری می‌شود، با دنیایی که آبدایک در این داستان خلق کرده قابل مقایسه است. در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از آرای ماکس وبر درباره عقلانیت و اخلاق، به تحلیل وضعیت اجتماعی و رفتار شخصیت‌های این دو داستان پرداخته شود. این بررسی نشان می‌دهد که چگونه آبدایک و محب‌علی، دشواری تصمیم‌گیری عقلانی و اخلاقی را در جامعه مصرف‌گرا به تصویر کشیده‌اند و نشان داده‌اند که مصرف‌گرایی، شخصیت‌های

\* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)، z.bezdodeh@uok.ac.ir

\*\* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کردستان، c.amiri@uok.ac.ir

\*\*\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان، ibezdude@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

داستانی را از ویژگی‌هایی که به آن‌ها توانایی تصمیم‌گیری عقلانی و اخلاقی می‌دهند، تهی می‌کند و آن‌ها را در وضعیتی معنابخسته قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** آپدایک، ماکس وبر، تصمیم عقلانی، اخلاق، محب‌علی.

## ۱. مقدمه

در این نوشتار نشان می‌دهیم چگونه جامعه و فرهنگ مصرف‌گرا در دو اثر «ای اند پی» و *نگران نباش* توانایی تصمیم‌گیری و آزادی را از افراد ستانده و آن‌ها را در وضعیتی غیرعقلانی و غیرانسانی، آن‌گونه که ماکس وبر و متفکران تفکر انتقادی توضیح داده‌اند، قرار می‌دهد. داستان کوتاه «ای اند پی»، از مجموعه داستان پره‌ای کبوتر (*Pigeon Feathers*) آپدایک است که نخست در مجله نیویورکر چاپ شد. این داستان، چند دقیقه از وقایعی را به تصویر می‌کشد که در یکی از فروشگاه‌های معروف *ای اند پی* در اواخر دهه ۱۹۵۰ در آمریکا رخ می‌دهد. پیرنگ داستان، تنش و کشمکشی را نشان می‌دهد که گویای تلاشی نافرجام برای به چالش کشیدن الگوهای جامعه سرمایه‌داری و مصرف‌گرا است. در *نگران نباش*، به طریق مشابه، با شخصیت‌هایی مواجه می‌شویم که به دلیل گذار از وضعیت پس از انقلاب و بدل شدن به خانواده‌ای درگیر مسائل اقتصادی که خود را بیشتر در پدر و پسر بزرگ خانواده، بابک، نشان می‌دهد، خانواده را از ارزش‌های اخلاقی و عقلانی که منجر به تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شود، تهی کرده است. جان آپدایک (۲۰۰۹-۱۹۳۲) از داستان‌نویسان و منتقدان معاصر آمریکایی است که شهرت و اعتبارش بیشتر مدیون چهارگانه معروف *رایت*<sup>۱</sup> (*Rabbit*) است که داستان زندگی فردی از طبقه متوسط به نام هری رایت انگستروم است. دنیایی که آپدایک به تصویر می‌کشد معمولاً محیطی کوچک است که ساکنانش را اقلیت طبقه متوسط تشکیل می‌دهند. از جمله موضوعات اصلی او دغدغه‌های مذهبی و اخلاقی این طبقه اجتماعی است که در قالب داستان‌های حکایت‌گونه به خوانندگان عرضه کرده است. از مهسا محب‌علی (۱۳۵۱) رمان‌نویس و منتقد ایرانی، که از نویسندگان نسل سوم ادبیات داستانی ایران محسوب می‌شود، تاکنون چند مجموعه داستان کوتاه و رمان به چاپ رسیده است. او برای مجموعه *عاشقیت در پاورقی* و رمان *نگران نباش* برنده جایزه بنیاد گلشیری شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌های قدیمی در باب آثار آلدایک می‌توان به کتاب *عناصر جان آید/یک* اشاره کرد که در آن آلیس و کنث همیلتون (Alice and Kenneth Hamilton) آلدایک را به عنوان «راوی حکایات» معرفی می‌کنند. اهمیت این اصطلاح در آن است که حکایت (Parable) در زبان انگلیسی برای نوعی از داستان به کار می‌رود که هدفش آموزش و انتقال مفاهیم تعلیمی است. از جمله محققان بعدی ویلیام آر. مک‌نافتن (William R. Macnaughton) است که در مقدمه کتاب *مقالات انتقادی درباره جان آید/یک* اذعان می‌دارد که همیلتون و همکارش آنچنان دلبسته ویژگی‌های «شبه تمثیلی» و مذهبی داستان‌های آلدایک شده‌اند که فراموش کرده‌اند که آلدایک داستان‌نویس است. از میان دیگر پژوهش‌های اثرگذار در باب آثار آلدایک می‌توان به *جنگجویان و عاشقان* جوینس مارکل (Joyce Markle) و *طوفان و آتش* ادوارد وارگو (Edward P. Vargo) اشاره کرد که هر کدام به صورت موردی به تحلیل و بررسی آثار خاصی از آلدایک پرداخته‌اند. جودی نیومن (Judie Newman) در اواخر دهه هشتاد به درون‌مایه‌ای متفاوت یعنی رابطه آلدایک با تحولات اجتماعی جامعه آمریکایی پرداخته است. نقش پررنگ مذهب در آثار آلدایک سبب شده است تا پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای درباره این مفهوم در آثار وی در اواخر دهه هشتاد و دهه نود میلادی نوشته شود که از جمله آن‌ها می‌توان *کم‌دبی رستگاری: باور مسیحی و عنصر کمیک در چهار رمان‌نویس آمریکایی* رالف سی. وود (Ralph C. Wood) و *جان آید/یک و مذهب جیمز یرکس* (James Yerkes) را نام برد. جستجو درباره داستان «ای اند پی» نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی اندک، اما در خور توجه، در این زمینه موجود است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله «مقاومت در راهرو شماره سه: بررسی مصرف‌گرایی و امکان یا عدم امکان مقاومت در داستان 'ای اند پی'» اشاره کرد. نویسندگان این مقاله، که در ژورنالی درباره آموزش چاپ شده است، به بررسی چگونگی ترویج مصرف‌گرایی و امکان یا عدم امکان مصرف‌گرا شدن سوژه پرداخته‌اند. جهت تبیین بحث لازم است ابتدا مروری مختصر داشته باشیم بر آرای وبر و متفکران تفکر انتقادی درباره تصمیم‌گیری، عقلانیت، آزادی و اراده فردی و اجتماعی. از آن‌جا که پرسش اصلی این مقاله بررسی مسأله تصمیم‌گیری اخلاقی و عقلانی در بستر جامعه مصرفی است، آرای وبر اساس نظری استواری را برای تحلیل و تبیین رفتار شخصیت‌ها و شرایط حاکم بر انتخاب‌های آنها فراهم می‌کند.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۱.۳. ماکس وبر و تصمیم عقلانی

نظریه مارکسیسم، علی‌رغم نقاط ضعف بنیادین در نظریه و در عمل، اساساً رویکردی اخلاقی به زندگی دارد؛ زیرا غایت اصلی آن، آنگونه که پایه‌گذاران این مکتب بیان کرده‌اند، فراهم کردن جامعه‌ای بدون طبقه است که در آن سود اقتصادی به صورت برابر در میان افراد جامعه تقسیم می‌شود (Bottomore, 2002: 78). این مسأله در مورد وبر نیز صادق است. هر چند او خود را فیلسوف اخلاق نمی‌داند اما حقیقت این است که تمام تلاش‌های او نشان‌دهنده گرایش اخلاقی است که او را نسبت به وضعیت انسان در دنیای سرمایه‌داری حساس کرده است (Brubaker: 1991: 91; Lowith, 1982: 20). یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های وبر بررسی میزان آزادی انسان در جامعه مدرن است؛ پرسشی جنجال برانگیز که همواره هسته نظام سرمایه‌داری را نشانه می‌گیرد. در تفکر وبر عقلانیت یا عمل عقلانی با معنی‌دار بودن گره می‌خورد. در هر عمل معنادار دو ویژگی موجود است: غایت (End) و ارزش (Value). چنین اعمالی با نوعی از آگاهی و تعمد از جانب کنشگر انجام می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، فردی که عمل معناداری را انجام می‌دهد، هم به عمل خود آگاه است و هم در انجام آن هدف مشخصی را در نظر دارد. در عمل غایتمند، فاعل آگاهانه غایت عمل و راه‌های رسیدن به آن را می‌سنجد (Brubaker, 1991: 92). به همین ترتیب آزادی نیز با عقلانیت پیوند می‌خورد (Weber, 1949: 124-5). و گزاره آخر این که عمل یا رفتار عقلانی عملی است که معنادار و آزادانه باشد. بنابراین رفتار انسانی رفتاری آزادانه، معنادار و عقلانی است. وبر این ویژگی را به کل زندگی تعمیم می‌دهد و بر این باور است که زندگانی انسانی باید معنادار، غایتمند، عقلانی و آزادانه باشد (Brubaker, 1991: 94). بر این اساس، به این نتیجه می‌رسیم که شخصیت (Personality) نزد وبر نه مفهومی روان‌شناختی، بلکه مفهومی فلسفی است.

ماهیت شخصیت در ارتباط همیشگی آن با ارزش‌های غایی و معین از یک طرف و معنای زندگی از طرف دیگر نهفته است. این ارزش‌ها در عمل به هدف مبدل می‌شوند تا این که سرانجام خود را به شکل رفتارهایی عقلانی و غایتمند نشان دهند. (Weber, 1975: 192) از دیدگاه وبر، داشتن «شخصیت» نیازمند رسیدن به جایگاهی انسانی و نیازمند قهرمانی‌گری است. جایگاهی که وبر شخصیت می‌نامد برای هر شخصی دست‌یافتنی نیست. بر همین اساس، از نظر وبر تصمیمی را می‌توان «اخلاقی» نامید که آگاهانه و با

سنجش پیامدهای منطقی آن اتخاذ می‌شود. تنها چنین تصمیمی است که از لحاظ اخلاقی ارزشمند بوده و سبب رشد اخلاقی می‌شود. تصمیم‌هایی که فاقد این ویژگی باشند صرفاً رفتارهایی نسبی‌اند که در تداوم اخلاقی شخص تأثیرگذار نیستند (Brubaker, 1991: 103). روی هم‌رفته مسأله‌ای که از نظر وبر حائز اهمیت است خودمحوری یا خودمختاری اخلاقی (Moral autonomy) است که سرانجام به انسانیت حقیقی منتهی می‌شود.

### ۲.۳ دین، مصرف‌گرایی و فضای اجتماعی

عنوان داستان «ای اند پی» از نام یک فروشگاه زنجیره‌ای معروف در آمریکا اقتباس شده است. ای اند پی مختصر نام «شرکت بزرگ چای اطلس و آرام» (The Great Atlantic and Pacific Tea Company) است که در سال ۱۸۵۹ در شهر نیویورک به عنوان تعدادی فروشگاه که چای و قهوه می‌فروختند، شروع به کار کرد. به گزارش مجله تایم کاور (Time Magazine Cover) در سال ۱۸۷۸ تعداد این فروشگاه‌ها به ۷۰ رسید و در اواخر قرن نوزدهم به مهمترین فروشنده خواروبار در آمریکا تبدیل شد، هر چند که هنوز چای و قهوه نیز می‌فروخت. تعداد فروشگاه‌ها در سال ۱۹۱۵ به ۱۶۰۰ رسید. در سال ۱۹۳۰ این فروشگاه به پر فروش‌ترین فروشگاه جهان با فروش یک میلیارد دلار و تعداد ۱۶۰۰۰ شعبه رسید. با این حال، در اوایل دهه پنجاه، زمان وقوع داستان آبدایک، این فروشگاه رو به افول نهاد و تا دهه هفتاد به تدریج تحت‌الشعاع فروشگاه‌های مدرن‌تر قرار گرفته و در نهایت به طور کلی اقبال خود را از دست دادند.<sup>۳</sup>

مجموعه فروشگاه‌های ای اند پی و رشد قارچی آنها در نیمه اول قرن بیستم سبب شد تا این فروشگاه به نماد رشد و موفقیت اقتصادی در آمریکا تبدیل شود. این روند رشد رابطه مستقیمی با الگوهای خرید و مصرف در جامعه آمریکا در نیمه اول قرن دارد. مدیران ای اند پی در کنار تبلیغ کالا می‌کوشیدند تا با استفاده از شیوه‌های فرهنگی از خریداران خود، که بیشتر زن‌ها بودند، مصرف‌کنندگانی مطیع بسازد. از میان این گونه فعالیت‌ها می‌توان به چاپ و انتشار مجله‌ای با عنوان «روز زن» (*Woman's Day*) نام برد. این مجله، که نخستین بار در سال ۱۹۳۱ توسط شرکت ای اند پی چاپ شد، به موضوعاتی می‌پرداخت که ارتباط مستقیمی با خرید و مصرف داشته و بیشتر از آن‌که به تحلیل و بررسی پردازد درگیر الگوسازی جهت ترویج مصرف‌گرایی بود. مجله مطالبی را در مورد خانه‌داری، آشپزی، تناسب اندام، جذابیت ظاهری و مد منتشر می‌کرد. این که ادبیات و هنر تبدیل به

ابزاری در خدمت اهداف فروش و ترویج مصرف‌گرایی می‌شوند از مباحث پایه‌ای متفکران تفکر انتقادی یا مکتب فرانکفورت به ویژه آدورنو و هورکهایمر است. در دیالکتیک روشنگری آدورنو و هورکهایمر با اشاره به رسانه‌هایی از قبیل سینما و رادیو اذعان می‌دارند که این رسانه‌ها در حد کسب و کار تقلیل یافته و تولیدات آن‌ها را زباله می‌نامند (۹۵: ۲۰۰۲). در جامعه مصرف‌گرا هدف از رسانه ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی است. در واقع، این مجله تلاش می‌کرد زن را در پیش‌زمینه‌ای از مسائل اقتصادی تعریف کند و همین مسأله مؤید غیراخلاقی بودن رویکرد مدیر فروشگاه نسبت به پوشش و رفتار دخترهایی است که با لباس نامناسب وارد فروشگاه شدند. به همین دلیل است که تغییر الگوی زن در داستان «ای اند پی» توسط سه دختر با واکنش جدی و غیراخلاقی مدیر فروشگاه مواجه می‌شود. این مجله در سال ۱۹۵۸، زمانی که از جانب انتشارات فوست (Fawcett Publications) فروخته شد، ماهانه در چهار میلیون نسخه منتشر می‌شد.

سامی، که شخصیت اصلی داستان و همچنین راوی و مشاهده‌گر (Focalizer) است، فضا و موقعیت فروشگاه را اینگونه توصیف می‌کند:

ما دقیقاً وسط شهر قرار داریم و آگه شما در در ورودی بایستید، می‌تونید روبروتون دو تا بانک، کلیسای جامع، یه روزنامه فروشی، سه تا بنگاه املاک و بیست و هفتا لودر ببینید که خیابون اصلی رو داغون کردن چون بازم لوله فاضلاب شکسته. خیال نکنید ما جایی مثل کیپ (Cape) قرار داریم. ما در شمال بوستون هستیم و اینجا آدمایی زندگی می‌کنند که بیست ساله اقیانوسو که فقط پنج مایل از اینجا فاصله داره ندیدن. (Arp and Johnson: 2006, 622)

این توصیف از چند نظر تأمل‌برانگیز است. در سمت مقابل فروشگاه، نخستین ساختمان‌هایی که به چشم می‌خورند بانک و کلیسا هستند. بانک که نهادی کاملاً اقتصادی است و نظام سرمایه‌داری نوین بدون آن غیرممکن می‌نماید، فضایی آستانه‌مانند است که هستی انسان سرمایه‌دار آنجا نمود می‌یابد. در طرف دیگر، کلیسا واقع شده است آن هم از نوع جامع آن که صحنه حضور اجتماعات بزرگ است. حقیقت امر این است که مسیحیت در مقایسه با یهودیت و اسلام کمتر درگیر مسائل اقتصادی و مالی است. اما نکته جالب توجه این است که فقدان یا احتمالاً حذف گفتمان اقتصادی در عهد جدید و حیات عیسی مسیح به ظاهر فضایی را برای انسان مسیحی فراهم کرده است تا از آن در جهت منافع اقتصادی استفاده یا سوءاستفاده کند. کلیسا، که باید منتقد سیاست‌های غیراخلاقی

سرمایه‌داری باشد، در مرکز شهر در کنار دو نهاد کاملاً کاپیتالیستی قرار گرفته است تا توجیه‌کننده غیراخلاقی‌های نظام سرمایه‌داری و جامعه مصرفی باشد. حلقه‌ای که رابطه بیشتری میان فروشگاه و کلیسا برقرار کرده است، شخصیت لنجل (Lengel)، مدیر فروشگاه، است. او که مدیر فروشگاه است در روزهای یکشنبه در ساندی سکول<sup>۴</sup> (Sunday school) معلم است و آموزه‌های مذهبی را تدریس می‌کند.

ملغمه‌ای که از فروشگاه، بانک و کلیسا در داستان «ای اند پی» تشکیل شده است به بنگاه املاک و روزنامه‌فروشی نیز آراسته شده است. تمام چیزهایی که انسان در چنین جامعه‌ای برای زندگی کردن و موجه جلوه دادن ارزش‌های این زندگی به آن نیاز دارد. شخص می‌تواند در بنگاه‌های املاک خانه‌ای اجاره کند؛ در فروشگاه مایحتاج زندگی‌اش را تهیه کند؛ اگر خرید در فروشگاه پولی برایش باقی گذاشت آن را در بانک پس‌انداز کند تا در فرصت‌های بعدی آن را خرج کند؛ گشتی در روزنامه‌ها بزند تا فرصت‌های خرید بیشتر و مصرف بیشتر را در اختیار او قرار دهند و سرانجام بدون اینکه فرصتی پیدا کند تا به کنار دریایی، که پنج مایل با خانه او فاصله دارد سر بزند، سرش را پایین انداخته و به خانه برگردد. و باز هم جالب توجه این‌که در کنار این نهادها تعداد زیادی لودر مشغول حفر کانال جهت تعمیر لوله فاضلاب هستند. ختم توصیف به این شیوه و با استفاده از تصویری که از لحاظ سبکی و ارزشی در تناقض آشکار با تصاویر پیشین است در اصطلاح ادبی ضداوج<sup>۵</sup> (Anticlimax) نامیده می‌شود. این صناعت ادبی با هدف طنز و به چالش کشیدن امری جدی به کار می‌رود. در کنار این نهادها لوله فاضلاب برای چندمین بار شکسته شده است و محیط موجود را هر چه بیشتر متعفن کرده است.

در آغاز رمان نگران نباش، شادی، تنها دختر خانواده که مانند سامی در داستان «ای اند پی» راوی - مشاهده‌گر است، با لحنی طنزآلود مادرش را معرفی می‌کند:

تق و تقش بالای سرم است. نباید تکان بخورم. اگر بفهمد بیدارم دیگر نمی‌رود. زیر لب زمزمه می‌کند و بعد تق... تق... تقه‌ها که به هزار برسند، یا شاید دوهزار، آن وقت تسبیح دیجیتالی بوق می‌زند. تایمر اعلام می‌کند که به اندازه بخشش گناهان همه ما دعا کرده یا نه. (محب‌علی، ۱۳۹۵: ۱)

مادر بالای سر دختر با تسبیح دیجیتال ذکر می‌خواند. راوی نگاه بی‌روح و مکانیکی مادر به معبود را از همان ابتدا به خواننده می‌شناساند. او از تسبیح‌شمار دیجیتال استفاده

می‌کند. التزام مادر به فرایض دینی تناقض آمیز و بی‌مایه است زیرا شادی مادر را اینگونه معرفی می‌کند:

اگر لرزه‌ها از بعدازظهر شروع شده بود الان من و مامان ملوک نشسته بودیم کنار پنجره. داشتیم چای می‌خوردیم و به درخت‌های خرزهره حیاط نگاه می‌کردیم. مامان یا توی آرایشگاه بود یا توی یکی از مهمانی‌های دوره‌اش یا توی بوتیک‌های جردن... بقیه هم دنبال کار و زندگی‌شان. (همان: ۲۷)

بلافاصله تک تک افراد خانواده به ما معرفی می‌شوند و ما درمی‌یابیم که اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی در منش و رفتار آن‌ها چندان مشهود نیست. خود راوی، شادی، معتاد است و پیرنگ رمان با دغدغه او برای به دست آوردن مواد در وضعیت بحرانی داستان آغاز می‌شود. تلاش او برای پیدا کردن چند حب بیشتر ختم به دریافت یک قوطی از قرص‌های سفید از طرف برادر کوچکترش، آرش می‌شود که به نظر می‌رسد داروی مخدري باشد که شادی در پایان داستان از آن برای خودکشی استفاده می‌کند. فرزند بزرگ خانواده، بابک است که شادی او را اینگونه به ما می‌شناساند: «باید الان چشم‌های عسلی‌ات پر از خنده می‌شد، ولی نشد. نگرانی. نگران مامان، نگران ارز، نگران شرکت، نگران کارمندهات، نگران بابا، نگران سهامت، نگران زانیتات، نگران آپارتمان پیش‌خریدت توی برج کاوه، نگران من.» (همان: ۲۹) پدر خانواده که استاد دانشگاه است هیچگاه در داستان ظاهر نمی‌شود و شادی او را استادی به ظاهر متعهد اما بی‌اخلاق معرفی می‌کند. بنابراین ما با خانواده‌ای مواجه می‌شویم که بیشتر درگیر کسب‌وکار و خرید است و جایگاهی ندارد. گل سر سبد خانواده از این لحاظ آرش است که بی‌پرده و با صراحت در مورد پول سخن می‌گوید:

آرش همیشه مثل پارتیزانا پول می‌گیره.

...

خیال می‌کنه اینجا تگزاسه... پسره...

...

مسأله تگزاس نیست. خب هر کسی یک نوع برخورد با پول داره.

(همان: ۳۲)



آرش ظاهراً ثمرهٔ تمام‌عیار این خانواده است. شادی به او می‌گوید: «معلوم نیست چرا تمام تربیت خانوادگی ما جمع شده توی وجود تو» (همان). تعارض و تناقض موجود در بینش و رفتار والدین خانواده، به ویژه مادر، ثقل اخلاقی خانواده را به هم ریخته است. مادر خانواده از یک طرف ذکر می‌گوید و اذکارش را با دستگاه دیجیتال می‌شمارد و از طرف دیگر در بوتیک‌های جردن دنبال برندهای جدید است. در واقع این خانواده می‌تواند نمایندهٔ تپیی از خانواده‌های ایرانی باشد که از آرمان‌های انقلابی ۵۷ که زمانی برای آن‌ها مبارزه کرده بودند فاصله گرفته و تمامی تلاش آن‌ها در پول‌درآوردن خلاصه شده است و این به لحاظ روایی به شیوه‌ای فنی و طنزگونه از زبان و نگاه ضدفرهنگی شادی بیان شده است. زوال تدریجی آرمان‌های خانواده را می‌توان در شیوهٔ آموزش فرزندان و انتخاب دانشگاه برای آن‌ها مشاهده کرد: از سخت‌گیری دربارهٔ آموزش موسیقی کلاسیک برای بابک و شادی و فرستادن این دو به دانشگاه دولتی تا ولنگاری دربارهٔ تربیت آرش و فرستادنش به دانشگاه غیر دولتی. البته، شادی به یاد می‌آورد که چگونه از همان کودکی، نوازندگی او و بابک تزئین مهمانی‌های خانوادهٔ تازه به دوران رسیده‌اش شده بود. صحنه‌ای که او از تعامل صمیمانهٔ مادرش با یکی از مردهای حاضر در مهمانی به یاد می‌آورد، زوال تدریجی ارزش‌های اخلاقی این خانواده را به تصویر می‌کشد. زوال تدریجی خانوادهٔ راوی، نمونه‌ای از زوال آرمان‌ها و ارزش‌های اوایل دههٔ شصت است. طبقهٔ متوسطی که از اوایل دههٔ هفتاد طعم آسایش و رفاه را می‌چشید، رفته‌رفته به آن خو گرفت و خیلی زود گرفتار مال‌اندوزی و مصرف‌گرایی افراطی شد. می‌توان گفت که مهم‌ترین دلایل این رفاه‌گرایی، رسوخ سیاست‌ها و روش‌های اقتصادی سرمایه‌داری است. اباذری و ذاکری، چگونگی اجرای سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری نئولیبرال را از اوایل دههٔ هفتاد در ایران بررسی کرده‌اند. آن‌ها موقتی‌سازی قراردادهای نیروی کار، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی از عرصهٔ اقتصاد، مسؤولیت‌ناپذیری دولت در خدمات اجتماعی، و ممانعت از تشکیل‌یابی را از جملهٔ سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در اقتصاد ایران می‌دانند که دولت‌های بعد از جنگ هشت‌ساله کم‌وبیش به اجرای آن‌ها همت گمارده‌اند (اباذری و ذاکری، ۱۳۹۷: ۹). اباذری و ذاکری، نتیجهٔ اجرایی شدن این سیاست‌ها را ظهور طبقهٔ ثروتمند نوکیسه‌ای می‌دانند که «به هیچ سنتی غیر از سنت منفعت شخصی وفادار نبودند» (همان: ۲۴). در پی چنین تحولاتی، ایران به «جهنم طبقات متوسط و پایین» تبدیل شد (همان: ۳۸). آنچه در رمان نگران نباش بیش از همه جلب توجه می‌کند دهن‌کجی جوانان به همهٔ سنت‌های اجتماعی و اندیشیدن

به منافع شخصى است. در چنین فضایی بی‌اعتمادی موج می‌زند. غفاری (۱۳۹۴) و گودرزی و عبدی (۱۳۹۵) در تحلیل‌هایی از سرمایه اجتماعی در ایران در دهه اخیر میزان اعتماد میان مردم را کمتر از ۲۰ درصد برآورد کرده‌اند. محب‌علی، این بی‌اعتمادی اجتماعى را نه تنها در رابطه شهروندان در کوچه و خیابان بلکه در روابط خانوادگی به تصویر کشیده است.

تناقض در بینش و رفتار در مدیر فروشگاه ای اند پی، آقای لنجل، نیز دقیقاً وجود دارد. او در روزهای یکشنبه آموزه‌های مسیحی را تدریس می‌کند و از طرفی مدیریت یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای را به عهده دارد. پدر و مادر در *رمان نگران نباش* از نسلی هستند که در ایران انقلاب کرده‌اند و اکنون با فاصله گرفتن از کنشگری اجتماعى تبدیل به افرادی پول‌پرست و مصرف‌کننده شده‌اند که ثمره آن را می‌توان در سه نسل از بچه‌هایشان دید: بابک بساز و بفروش شده است، شادی که در یکی از بهترین دانشگاه‌های تهران موسیقی خوانده است و اکنون اعتیاد شدید دارد و آرش که مانند موجودی خطرناک فقط دنبال پول است. سخن‌های آرش که در مورد پول و مایه است، مانند ترجیع‌بندی در *رمان تکرار می‌شود*. «تا مایه ندی نمی‌ذارم هیچ جا بری.» (محب‌علی، ۱۳۹۵: ۲۲) و یا در حالی که دارد با تفنگ پدرش بازی می‌کند می‌گوید «باس مایه بدی.» (همان: ۲۴) شادی او را مانند پارتیزان‌ها معرفی می‌کند: «آرش همیشه مثل پارتیزان‌ها پول می‌گیره.» (همان: ۳۲) پدر خانواده که استاد دانشگاه است، در کل رویدادهای *رمان غایب* است. علی‌رغم اینکه در بخش زیادی از *رمان*، مادر مرتب به او زنگ می‌زند و منتظر او است اما او که مرتب به آنها می‌گوید تا چند دقیقه دیگر می‌رسد، هیچگاه نمی‌رسد و سرانجام به آنها می‌گوید خودشان شهر را ترک کنند تا او بعداً به آنها بپیوندد. این پدر و مادر که زمانی برای آرمان‌هایشان جنگیده‌اند و انقلاب کرده‌اند، اکنون ثمره کار و زندگی‌شان شده است پسری بساز و بفروش، دختری معتاد و پسری که برای پول به برادر و خواهرش نیز رحم نمی‌کند. بنابراین در *رمان نگران نباش* مانند داستان «ای اند پی» عملکرد پدر و مادر شادی و آقای لنجل در راستای ارزش‌های دینی و معنوی نیست. مادر در *رمان نگران نباش* رویکردی حسابگرانه و فریضه‌محور به دین دارد و لنجل در «ای اند پی» تظاهر به دین‌داری و اخلاق دینی می‌کند. نه تصویر مادر در *رمان نگران نباش* مبتنی بر تصویر مقبول در اسلام است و نه تصویر لنجل در «ای اند پی» منطبق بر چهره مطلوب در مسیحیت است.

سامی در مورد آینده‌ای/اند پی با تمسخر و طنز سخن می‌گوید و آن را با ویژگی‌های *ای/اند پی* پسند دوست و همکارش ستوکسی (Stokesie) پیوند می‌دهد. ستوکسی که فردی منضبط و مورد تحسین مدیران *ای/اند پی* است، در ذهنش خیال ارتقاء به جایگاه مدیریت شرکت را می‌پروراند. سامی با تمسخر می‌گوید: «یادم رفت بگم او میخاد یه روز آفتابی شاید سال ۱۹۹۰ زمانی که اسم فروشگاه به شرکت بزرگ چای الکساندروف و پتروشکی (Alexandrov and Petrooski) تغییر یافته است مدیر شود.» (Arp and Johnson: 2006, 621) همان‌گونه که در بالا ذکر شد، نام کامل فروشگاه «شرکت بزرگ چای آتلانتیک و آرام» (Pacific) است که در زبان انگلیسی با حروف A و P آغاز می‌شوند. سامی با طنز و تمسخر به این موضوع می‌نگرد. مردمی که مدام از سیطره اتحاد جماهیر شوروی می‌هراسند، چنان در گیر مناسبات جامعه سرمایه‌داری و مصرف‌گرا شده‌اند که در بیست سال گذشته از ساحلی در فاصله پنج مایلی، دیدن نکرده‌اند. راوی بیهودگی و بی‌معنایی شوروی‌هراسی را به شیوه‌ای جالب برملا می‌کند. در واقع نام‌هایی که وی جایگزین *ای/اند پی* می‌کند اشکال تحریف شده و استهزاءگونه نام‌های روسی‌اند و وجود خارجی ندارند. در رمان *نگران نباش* نیز اشاره‌های زیادی به نام‌ها و شخصیت‌هایی با گرایش‌های چپ مانند ارنستو چه‌گوارا وجود دارد. از شخصیت‌های چپ رمان، پروین مادر اشکان است که شرایط سخت زندگی او را به نومی‌دی دچار کرده است. شب زلزله که شادی برای پیدا کردن مواد با عجله خود را به خانه اشکان می‌رساند می‌بیند اشکان خودکشی کرده است و پروین هم خانه نیست. شادی می‌گوید: «یا پروین مست کرده و یاد دوران مبارزاتش افتاده و همه را واداشته دنبالش رژه بروند و سرود حزب کارگر را نصف شبی توی حیاط اجرا کنند» (محب‌علی، ۱۳۹۵: ۵۱). در این‌جا، یکی از مهم‌ترین نمادهای رمان شکل می‌گیرد. صاحب‌خانه پروین، جناب‌سرهنگ، در شب زلزله و خودکشی اشکان از داخل پنجره زیرزمین سرک می‌کشد تا ببیند برای اشکان و پروین چه اتفاقی افتاده است. در همان لحظه زلزله رخ می‌دهد و شیشه پنجره، گردنش را زخمی می‌کند و او بی‌هوش با گردن آویزان همان‌جا می‌ماند. «شلوار جناب‌سرهنگ بالا رفته و پاهای اسخوانی بی‌موش بیرون افتاده‌اند. ترک‌های پاشنه پاش آدم را یاد فسیل‌های دوران مزوزوئیک می‌اندازد.» (همان: ۵۶) خون جناب‌سرهنگ همچنان که آویزان است به شیوه‌ای نمادین روی پوستر چه‌گوارا می‌ریزد، انگار از دماغ چه‌گوارا سرازیر می‌شود.

خون شره شده از گلوی جناب سرهنگ عین تابلوهای آبستره از پایین پنجره راه افتاده و آمده تا روی پوستر چه گوارای پروین. از روی ستاره پیشانی چه گوارا گذشته توی سیاهی سایه‌های صورتش گم شده و از زیر سوراخ چپ بینی‌اش شره کرده. خون سرخ و غلیظ جناب سرهنگ ترسناک دارد از سوراخ دماغ چه گوارا شره می‌کند و حوضچه خونی به اندازه کف دست روی موکت درست کرده. پروین! کاش این جا بودی و برای این هم‌نشینی جانانه شعری می‌سرودی. (همان: ۵۷)

تقابل سرهنگ، مالک خانه، و پروین که گرایش چپ دارد، به صورتی نمادین تقابل میان سرمایه‌داری و مارکسیسم را نشان می‌دهد. به این ترتیب، تقابل میان دو نگاه به شیوه‌ای نمادین و آمیخته با طنز و کنایه در هر دو داستان نمود می‌یابد. وابستگی به پول و عدم گریز از مصرف‌گرایی در هر دو داستان به شیوه‌ای مشابه خود را نشان می‌دهد. در داستان آبدایک، همانگونه که پیش‌تر بیان شد، وجود بانک در کنار دو نهاد مهم اجتماعی دیگر در میدان بیانگر این اهمیت است. در *نگران نباش* تجمع مردم دم دستگاه خودپرداز در زمان زلزله گویای این حقیقت است. وابستگی به پول در هر دو اثر با پرداختی کنایی نمود یافته است. در داستان «ای اند پی» از ایماژ حیوانات برای توصیف خریداران استفاده شده است، حیواناتی مانند مرغ و گوسفند و در *نگران نباش* به طریق مشابه از زنبور استفاده شده است. دم خودپرداز بانک عین کندوی زنبور عسل شده. زن‌های چادری تو سر و کله هم چنگ می‌زنند. مرد ریشویی با سر پایین و نگاهی که به زمین دوخته شده مثلاً دارد از هم سواشان می‌کند. مرد کچل عینکی خوش‌تیپی دست به سینه زل زده به خودپرداز بانک. لابد منتظر است غائله بخوابد تا برود پول‌هاش را بردارد. آن‌قدر صبور و مصمم که انگار می‌تواند تا ابد همان‌جا بیاستد و منتظر بماند. چرا همه این‌طور گه‌گیجه گرفته‌اند؟ (همان: ۳۸)

توصیف آمیخته با طنز شادی از مردم مانند توصیف سامی در داستان آبدایک مربوط به طبقه متوسط و تمامی لایه‌های آن است از زن چادری گرفته تا مرد عینکی خوش‌تیپ. همه در مقابل پول ناتوانند و مواجه‌شان با آن یکسان است.

### ۳.۳ عقلانیت و تصمیم‌گیری

داستان «ای اند پی» در دو لایه در خور بررسی است: در لایه اول شخصیت‌هایی مانند راوی و سه دختر که با ظاهری غیرمتعارف وارد فروشگاه *ای اند پی* می‌شوند در یک طرف مشتریان معمولی و مدیر و کارکنان فروشگاه در طرف دیگر. این دو گروه تقابل دوگانه‌ای

(Binary Opposition) را تشکیل می‌دهند و پیرنگ داستان در نتیجهٔ تعامل و تقابل میان این دو گروه پیش می‌رود. بررسی هریک از این دو گروه و ویژگی‌های اخلاقی آن‌ها ما را به نتیجه‌گیری کلی در مورد داستان رهنمون می‌شود. بنا بر ظاهر، می‌توان گفت که در گروه اول، یعنی راوی و دختران، اخلاق در مفهوم عام آن نادیده گرفته شده است. راوی با زبانی سرشار از تصاویر و اصطلاحات جنسی و با رویکردی کاملاً شهوانی به توصیف دختران می‌پردازد؛ راوی در توصیف وضعیت ظاهری دخترها، همان‌گونه که شواهد دیگر در داستان نشان می‌دهد، تا حد زیادی قابل اعتماد است. دخترها با مایوی شنا وارد فروشگاه می‌شوند؛ ظاهراً مادر یکی از دخترها از او خواسته است که سر مسیر چیزی را از فروشگاه تهیه کند و او که همراه دوستانش از ساحل برمی‌گردد بی‌توجه به لباس و ظاهرش وارد فروشگاه می‌شود. حتی مایو را نیز به طور شایسته نپوشیده‌اند و این نشانگر بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به اصول و ارزش‌های سنتی است. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است: چرا باید مدیر فروشگاه آن هم از نوع *ای/اند پی* به این مسئله واکنش نشان دهد، در حالی که از نظر فرهنگی اینچنین جذب مشتری و بازاریابی بسیار دارای اهمیت است. آیا اخلاق و هنجارهای اجتماعی از نظر مدیر فروشگاه در کشوری مانند ایالات متحده، که یکی از شاخص‌ترین نمادهای نظام‌های سرمایه‌داری است، مهمتر از نفع اقتصادی است؟

راوی نوجوانی نوزده ساله است که در فروشگاه صندوقدار است. در ابتدای داستان به نظر می‌رسد که وی دنباله‌رو معیارهای اخلاقی و عرفی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. حضور او در فروشگاه به عنوان صندوقدار در نگاه اول شخصیتی را به خواننده معرفی می‌کند که از طبقهٔ متوسط جامعه است و تصویری در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که او فردی متأهل است که جهت تأمین هزینه‌های زندگی در فروشگاه‌های متوسط به کار صندوقداری مشغول است تا اینکه واکنش او به دخترهایی را می‌بینیم که وارد فروشگاه می‌شوند. توصیف او از سه دختری که وارد فروشگاه می‌شوند مؤید این ادعا است. با این حال، طرز نگاه او به مشتریان فروشگاه، به ویژه یکی از مشتریان زن، حاکی از وجود زمینه و استعداد مقاومت در برابر الگوهای جامعهٔ مصرف‌گرا در درون او است. لهجه و لحن کلامش، گرایشش به ضد فرهنگ (Counter-culture) را برملا می‌کند. او در توصیفاتش از اصطلاحات کوچه‌بازاری و تابو استفاده می‌کند و با زبانی محاوره‌ای، که نشان از طبقهٔ اجتماعی او دارد، رفتار مشتریان و بی‌اخلاقی آن‌ها را در حین خرید به باد انتقاد می‌گیرد. او گاهی از تصویر حیوانات برای توصیف ظاهر و ویژگی‌های رفتاری آن‌ها استفاده می‌کند.

ظاهر و منش یکی از مشتریان زن، آنگونه که راوی به تصویر می‌کشد، حاکی از بردگی بی‌قید و شرط او در نظام سرمایه‌داری است. گاهی زبان راوی نظیر آنچه در اواخر داستان در مورد توصیف و تفسیر او از صدای ماشین حساب می‌توان دید، معانی کاملاً شخصی به خود می‌گیرد و درک آن مشکل است. این مسأله گویای گرایش وی به شورش و کنش‌های ضدفرهنگی است. استفاده از ایماژ یا صور خیال حیوانی در توصیف مشتریان فروشگاه، ویژگی شاعرانه و طنزگونه تأمل برانگیزی به داستان بخشیده است. این نکته در توصیف یکی از مشتریان زن در ابتدای داستان مشهود است. این زن که راوی به صورت اشتباهی بسته بیسکویتش را دو بار اسکن می‌کند به شدت عصبانی می‌شود. راوی می‌گوید:

او یکی از این آدم‌هاست که یک عمر به صندوقدار و صندوقش زل زده است. عجوزه‌ای جادوگر بدون ابرو با پنجاه سال سن با خرواری رژ روی استخوان‌های گونش... احتمالاً توی این پنجاه سالی که به صندوق حساب زل زده یک بار هم پیش نیومده که اشتباهی دیده باشه. (Arp and Johnson: 2006, 619-620)

در ادامه می‌گوید:

کلی تلاش کردم تا تونستم آرومش کنم و کرک و پرشو بنشونم و خرت و پرت‌هاشو توی پلاستیک بریزم. رفتنی با غضب بهم نگاهی کرد. فکر کن آگه زمان خودش تو سالم (Salem Massachusetts) به دنیا اومده بود زنده زنده میسوزوندنش. (Ibid)

در این توصیف، نکته جالب توجه استفاده از زبان بسیار توهین‌آمیز است: او از تعبیر جادوگر و استعاره حیوان (مرغ) استفاده می‌کند. استفاده از کلمه پر استعاره نوع دوم در زبان انگلیسی ایجاد کرده است که تصویر مرغی خشمگین را به ذهن متبادر می‌کند. در جایی دیگر از داستان، در توصیف مشتریان از گوسفند استفاده می‌کند: «گوسفندان داشتند چرخ‌دستی‌هایشان را هل می‌دادند و دخترها در مسیر مخالف آن‌ها حرکت می‌کردند.» (Ibid: 621). تلخ‌ترین طنز در داستان استفاده از ایماژ گوسفند برای توصیف مشتریان *ای/اند* بی‌است. می‌دانیم که گوسفند نمادی کم و بیش جهانی برای انسان‌هایی است که به هیچ وجه فکر نمی‌کنند و ویژگی بارز آن‌ها بی‌ارادگی و اشتغال همیشگی به مادیات و احتیاجات شکم است. راوی در ادامه این توصیف می‌گوید:

اگر داخل یک فروشگاه *ای/اند پی* بمبی را منفجر کنی خواهی دید که چگونه مردم در حالت درازکشیده و زمین‌خورده بازهم به لیست‌هایشان نگاه می‌کنند و پیش خودشان

می‌گویند «به لحظه صبر کن ببینم، به چیز دیگه هم می‌خواستم با س شروع میشد... سیب! نه. آها، یادم آمد! سس سیب».<sup>۷</sup> (Ibid)

بیشتر مشتریان فروشگاه نیز زن‌ها هستند. نظر راوی در مورد دخترها به هیچ وجه انقلابی نیست و تفاوتی با رویکرد غالب درباره زن در جامعه سرمایه‌داری ندارد. او دخترها را با استفاده از زبان مردسالارانه توصیف می‌کند. «آدم هیچ‌وقت نمیتونه بفهمه که مغز دخترا چجوری کار میکنه (نمیدونم که واقعاً چیزی به اسم مغز تو سرشون هست یا به چیزی مثل مگسی زنبوری چیزی تو کله‌شون وز وز می‌کنه)» (Ibid: 620) تحلیل رفتار شخصیت‌ها نتایجی به دست می‌دهد که بر اساس آن می‌توان درباره جنبه‌های انسانی یا غیرانسانی آن‌ها قضاوت کرد. در ادامه به بررسی رفتار هر دو گروه از شخصیت‌ها بر اساس نظریه سه‌گانه رفتار انسانی و بر خواهیم پرداخت.

توصیف سامی از رفتار مشتریان فروشگاه *ای/اند پی* یادآور رفتار حیوانات است. یکی از دلایل استفاده از صور خیال حیوانات به ویژه گوسفند برای توصیف مشتریان به همین مسأله برمی‌گردد. با توجه به آنچه در باب عقلانیت و رفتار عقلانی از دیدگاه وبر گفته شد، می‌توان گفت که رفتار مشتریان «معنادار» نیست؛ زیرا در آن دو جزء اصلی «غایت» و «ارزش» غایب‌اند. نوع اشتغال مشتریان به امر خرید و مصرف و بردگی بدون قید و شرط آن‌ها در برابر خرید از بی ارزش و بی‌غایت بودن رفتارشان پرده برمی‌دارد. مسأله مهم‌تر اینکه رفتار آن‌ها در قبال خرید و مصرف نشان می‌دهد که آن‌ها از آزادی برخوردار نیستند و اگر هم اختیاری دارند در چارچوب الگوهایی است که فروشگاه *ای/اند پی* برای آن‌ها تعریف می‌کند و اما در مورد مدیران و کارکنان فروشگاه دو شخصیت بیشتر از بقیه بزرگنمایی شده‌اند: لنجل و ستوکسی. ستوکسی، که پیشتر مورد بحث قرار گرفت، از افرادی است که خود و آینده خود را با ارزش‌های *ای/اند پی* تعریف می‌کند طوری که در آینده بتواند در درون این نظام به جایگاهی اجتماعی دست یابد. لنجل، که مدیر فروشگاه است و به دخترها در مورد لباسشان تذکر می‌دهد، نمود کامل ارزش‌های (غیر)اخلاقی و (غیر)انسانی و (غیر)آزادانه *ای/اند پی* است. لنجل در لحظه ورود به داستان، که نزدیک پایان است، با صفت «دل‌تنگ‌کننده و بی‌روح» (Dreary) توصیف می‌شود. در ادامه سامی در مورد او می‌گوید: «او [لنجل] پیش خودش فکر کرده است که اینجا ساحل است و او خود را سرپرست تیم نجات غریق در نظر گرفته است.» (Ibid: 623) لنجل که تلفظ آن در زبان انگلیسی آوایی خوش‌آیند برای شنونده ایجاد نمی‌کند از نظر راوی داستان مانند شخصیت

شروزی است که هرچند آموزه‌های مسیحی را تدریس می‌کند اما مرتکب رفتاری غیر انسانی و غیر اخلاقی می‌شود. نتیجه این‌که رفتار مشتریان فروشگاه انسانی نیست چراکه فاقد سه ویژگی اصلی که وبر نام می‌برد هستند: آزادانه بودن، معنادار بودن و عقلانی بودن. گروه دوم شخصیت‌ها، که سامی و دخترها را دربر می‌گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. خواننده ممکن است در ابتدا تصور کند که این گروه از شخصیت‌ها از تأیید نویسنده برخوردارند، اما شواهد چیز دیگری را نشان می‌دهد. پرسشی که مطرح است این است که آیا، بدون توجه به واکنش مدیر فروشگاه، به طور کلی رفتار و پوشش دخترها اخلاقی و عقلانی است؟ پاسخ به این پرسش، در چارچوب نظریه‌ی وبر، قابل بررسی است. پرواضح است که سخن مدیر فروشگاه مبنی بر اینکه کسی با مایو وارد مکانی عمومی مانند فروشگاه *ای اند پی* نمی‌شود کاملاً درست است؛ اما مسأله اینجاست که دغدغه‌ی یک مدیر فروشگاه از نوع *ای اند پی* نمی‌تواند اخلاقی و عقلانی باشد بلکه اقتصادی است چراکه ما در داستان می‌بینیم که آنچه که برای فروشگاه غایت و ارزش بوده است تربیت شهروندانی عقلانی نیست بلکه پرورش نسلی از مصرف‌کنندگان و خریداران است که آنچنان شیفته و درگیر مصرف‌گرایی باشند که ویژگی‌های عقلانی و انسانی را فراموش کنند. تأثیر این پرورش را در رفتار مشتریان می‌توان به خوبی دید. اگر دغدغه‌ی لنجل و امثال او در فروشگاه‌های *ای اند پی* تربیت مشتریانی فهیم بود ما در آغاز داستان باید با توصیفی متفاوت از آن‌ها مواجه می‌شدیم نه به عنوان موجوداتی با عملکرد غیرانسانی، عصبی و عجولانه در برابر اشتباهات صندوقدار. اینکه او در روزهای تعطیل به آموزش تعالیم دینی می‌پردازد، به هیچ وجه ضرورتاً نشانگر اخلاقی بودن او نیست، بلکه بیانگر وجود تظاهر در شخصیت او و سستی بودن او است.

ساکنان شهر کوچک داستان *ای اند پی*، همانگونه که پیشتر ذکر آن رفت، سال‌هاست از دریایی که تنها پنج مایل از شهر فاصله دارد، دیدن نکرده‌اند. این که دخترها، برخلاف سایر مشتریان فروشگاه، از ساحل برگشته‌اند و در داخل فروشگاه نیز در خلاف جهت سایر مشتریان حرکت می‌کنند، نشانی از تفاوت روشن آن‌ها با سایر افراد است. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که رفتار دخترها نمی‌تواند فی‌نفسه اخلاقی و عقلانی باشد؛ اما واکنشی شورشی و انقلابی به الگوهای زندگی بدون غایت و بدون ارزش نظام سرمایه‌داری و جامعه‌ی مصرفی است.



سرانجام به شخصیت محوری داستان، سامی، می‌رسیم. او از همه شخصیت‌ها مهم‌تر است، زیرا بسیار آشکار و روشن اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند و بررسی تصمیم‌گیری او بر اساس نظریه وبر ما را به نتایج جالب توجهی رهنمون می‌سازد. سامی، پس از اینکه لنجل به دخترها تذکر می‌دهد و آن‌ها را شرمند می‌کند، به صورت ناگهانی تصمیم می‌گیرد از کارش استعفا دهد. او این تصمیم را در مقابل رفتار لنجل می‌گیرد و می‌خواهد اینگونه اعتراض خود را در مقابل رفتار لنجل نشان دهد. هر چند که تصمیم او وجهی نمادین و پررنگ دارد که نشان از تلاش او برای مقابله با الگوی غیر اخلاقی و غیر انسانی حاکم است، با توجه به سن او و رویکرد شهوانی‌اش به دخترها، بیانگر کنشی ناگهانی و غیرمنطقی است تا خودی به دخترها نشان دهد و دن‌کیشوت‌وار دست به عملی قهرمانانه بزند. واکنش او از این جهت دن‌کیشوت‌وار است که او غافل است از اینکه در چنین جامعه‌ای قهرمانیگری از این نوع جایگاهی ندارد. دخترها توجهی به این رفتار قهرمان‌آبانه ندارند. در حقیقت، این قهرمانیگری در دنیای منزوی، غیرواقعی و فرازمانی خود سامی رخ می‌دهد. قدر مسلم این است که واکنش او نه از نظر لنجل، نه از نظر دوستش و نه از نظر دخترها مورد توجه و تحسین قرار نمی‌گیرد. این تصمیم سامی منطقی نیست زیرا فرازمانی، ناگهانی و احساسی است. در آخر داستان می‌بینیم که سامی مورد توجه دخترها قرار نگرفته است و کارش را نیز از دست داده است. او که بیرون از فروشگاه ایستاده است، می‌گوید: «می‌توانستم احساس کنم که از این به بعد دنیا چقدر برای من سخت خواهد بود.» (Ibid: 625) این اظهار نظر نمادین از دو نظر قابل تأمل است: نخست اینکه او به تصمیم‌گیری ناگهانی و غیر عقلانی خود واقف گشته است و خوب می‌داند با این تصمیم‌گیری به هیچ غایتی نرسیده است، و دوم اینکه او به یک بینش رسیده است؛ ساز و کار نظام سرمایه‌داری و جامعه مصرفی برای او روشن شده است و از این پس زندگی در این فضا برای او بسیار مشکل و چه بسا غیرممکن خواهد بود.

و اما بحران تصمیم‌گیری و بلاتکلیفی در رمان *نگران نباش* به شیوه‌ای دیگر خود را نشان می‌دهد. در واقع فضای حاکم، فضای بلاتکلیفی و تصمیم‌ناپذیری است. رمان با زلزله آغاز می‌شود و با زلزله پایان می‌یابد. زلزله البته در رمان کارکردی نمادین دارد و حاکی از وضعیت بحرانی حیات اجتماعی است. در واقع تهران در وضعیتی آستانه‌ای قرار دارد. داستان «از همان نصفه‌شب که لرزه‌ها شروع» شده‌اند، آغاز می‌شود (محب‌علی، ۱۳۹۵: ۱). این وضعیت آستانه‌ای در راوی داستان نیز وجود دارد. شادی، معتاد است و پیرنگ رمان به

همان اندازه که دستخوش زلزله است، متأثر از دگرگونی‌های روحی و جسمی شادی است. بیشتر رویدادهای داستان محصول جستجوی شادی برای یافتن مواد است. مهم‌ترین نمود بلا تکلیفی و تصمیم‌ناپذیری در رمان، بنابراین، زلزله و اعتیاد شادی است. پیرنگ رمان سلوکی به ظاهر بی‌معنا از نقطه‌ای در خیابان شریعتی است به مقصد درکه برای یافتن مواد. در جریان این سلوک، تصویری از تهران در وضعیتی آستانه‌ای به خواننده نشان داده می‌شود. حرکت در داستان همیشه سریع‌تر از حالت طبیعی است. یکی از موتیف‌های غالب داستان عبارت "دو تا یکی" است که نوع حرکت در داستان را تعیین می‌کند. موتوری که شادی را از شریعتی به درکه می‌برد، گویی از روی همه موانع پرواز می‌کند. فرار مردم در وضعیت زلزله نمادی است از ناتوانی جمعی در تصمیم‌گیری. مردم دم خودپردازها صف کشیده‌اند تا با برداشت اندوخته‌هایشان از وضعیت موجود فرار کنند. این ناتوانی در مواجهه با بحران، بارزترین نشانه ناتوانی در تصمیم‌گیری است. بلا تکلیفی شخصیت‌های رمان، که محصول ناتوانی آنها در اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی و عقلانی است، منجر به فروپاشی اجتماعی می‌شود. و مهمترین نمود این فروپاشی را می‌توان در ازهم‌گسیختگی خانواده در رمان دید. خانواده شادی از هم گسیخته است. پدر حضور ندارد. مادر بزرگ دچار آلزایمر است. بابک در پی پول به هم زدن و آرش نیز به دنبال پول قاپیدن است. تنها چیزی که در همه آنها مشترک است، وابستگی‌شان به پول است و البته شاید مهم‌ترین موتیف رمان همان عنوان رمان یعنی «نگران نباش» است. به عبارتی وضعیت شادی به عنوان یک معتاد نماد بی‌تفاوتی جمعی در مقابل بحران است.

از وجوه اشتراک معنادار رمان با داستان آبدایک در زبانی است که راوی با آن سخن می‌گوید: زبانی کوچه‌بازاری آمیخته با واژه‌های تابو. زبان شادی که کاملاً منطبق بر زبان یک معتاد است، مانند زبان سامی حائز ویژگی‌های ضدفرهنگی است. مهم‌ترین کارکرد این زبان ایجاد نوعی گفتمان انتقادی در مورد رفتار شهروندان و بی‌اخلاقی آنها است. چیزی که به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد پول‌پرستی و بی‌اخلاقی شهروندان است. نمونه آن را می‌توان در توصیف شادی از زن و شوهری در همسایگی خانه اشکان دید: «زنش یا شاش داشته یا نمی‌خواست جاساز پول‌هاش را به شوهرش لو بدهد. حالا تو این هیر و ویر باید جواب آقا را هم بدهد که این‌ها را از کجا آورده.» (همان: ۱) در واقع می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که اخلاق را پول تعیین می‌کند.

در داستان «ای اند پی» دیدیم که سامی تلاش می‌کند خود را قهرمان جلوه دهد و باور به قهرمان را دلیلی بر ناتوانی او در تصمیم‌گیری در نظر گرفتیم. باور به قهرمان و ظهور آن از ویژگی‌های غالب رمان نگران نباش نیز است. در «ای اند پی» سامی خود دچار توهم قهرمان شده است، حال آنکه در نگران نباش، شادی به ظهور قهرمان می‌اندیشد. دلیل این تفاوت را می‌توان در تفاوت جنسیت راویان دو داستان جستجو کرد که خود می‌تواند موضوع نوشتار دیگری باشد. نمود این اعتقاد در رمان در اشاره‌هایی است که شادی به فیلم لئون حرفه‌ای (Leon the Professional) و بازیگر معروف آن ژان رنو (Jean Reno) دارد. شادی با ماتیلدا (Matilda)، دختری که در فیلم تمام اعضای خانواده‌اش کشته شده‌اند و برای انتقام به ژان رنو پناه می‌برد، همذات‌پنداری می‌کند. شادی احساس تعلق به خانواده‌اش ندارد و به همین دلیل مرتب به زبانی کنایی از ژان رنو نام می‌برد. باور به ظهور قهرمان، گویای استیصال شخص و ناتوانی او در تصمیم‌گیری است. دور باطل و ناتوانی در تصمیم‌گیری را می‌توان در تمامی شخصیت‌های داستان دید. در شب زلزله، هنگامی که مردم تلاش می‌کنند تا با دارایی‌های خود از شهر خارج شوند، خانواده شادی نمی‌توانند با هم هماهنگ شوند. بابک نمی‌تواند افراد خانواده را جمع کند. پدر، همانگونه که پیش‌تر بحث شد، هیچگاه بر نمی‌گردد. شادی در جستجوی مواد از خانه می‌زند بیرون و آرش نیز مانند پارتیزان‌ها به دنبال پول است. این ناتوانی در تصمیم‌گیری فراگیر است و در همه شهروندان مشهود است؛ اما مهم‌تر از همه شادی است که در روند داستان هیچ گرایشی به تصمیم‌گیری و واکنشی عقلانی و اخلاقی به نسبت آنچه در اطراف او رخ می‌دهد ندارد.

سرانجام، روز بعد، جستجو برای مواد شادی را به درکه می‌کشاند، جایی که تظاهرات شروع شده است و زلزله زمینه را برای شلوغی و شعاردادن فراهم کرده است. پروین بالاخره فرصتی پیدا می‌کند تا شعارهای اعتراضی بدهد. شخصی به نام غلام فرصتی به دست آورده تا قلدربازی کند. او سه پسر را به هم بسته و روی سر آنها با قمه داد و هوار می‌کشد. فرار کردن ناگهانی پسرها و هجوم جوان‌ها به سمت او مانند جرقه‌ای همه را درگیر می‌کند. این توصیف‌ها از شهروندان کاملاً گویای تصمیم‌گیری‌های آنی و قهرمان‌بازی شهروندان است که همانگونه و بر می‌گوید فاقد غایت و ارزش است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی داستان *ای اند پی جان آبدایک* و *رمان نگران نباش* مهسا محب‌علی بر اساس نظریه‌های ماکس وبر درباره امکان تصمیم‌گیری اخلاقی و عقلانی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری و کنش منطقی در موقعیتی که الگوهای جامعه مصرفی غالب باشند، دشوار می‌گردد. این حقیقت زمانی آشکار می‌شود که بینیم هیچکدام از تصمیم‌ها، رفتارها و واکنش‌های افراد با معیارهای تصمیم‌گیری و واکنش‌های رفتاری منطقی و عقلانی که وبر برمی‌شمارد سازگار نیستند. حال سؤالی که مطرح است، این است که این مشکل از کجا ناشی می‌شود؟ پرواضح است که در وضعیتی که ارزش‌های جامعه مصرفی حکمفرما باشند بر اساس آن چیزی که در این دو داستان می‌بینیم، به دلیل اینکه آزادی عمل از افراد سلب می‌شود امکان تصمیم‌گیری‌های عقلانی و در نتیجه انسانی غیرممکن می‌شود.

شخصیت‌های هر دو داستان بدون توجه به اینکه از چه طبقه اجتماعی ظهور کرده‌اند، توسط الگوهای جامعه مصرفی به اسارت درآمده‌اند و توانایی تصمیم‌گیری از آن‌ها سلب شده است. پرسش تأمل‌برانگیز این است که آیا راه فراری از این وضعیت وجود دارد؟ پاسخی که از دنیای این داستان‌ها برمی‌آید این است: تا زمانی که فرد در درون این وضعیت است، رهایی از آن، غیرممکن می‌نماید. هر گونه تلاش برای رهایی چنانچه در قالب تصمیم‌گیری‌های عقلانی و منطقی غایب‌اند و ارزشمند نباشد محکوم به نابودی است. می‌بینیم که در پایان شخصیت‌ها به وضعیت بیهوده و معناباخته خود کاملاً واقف گشته‌اند. اما پایان در حقیقت بیانگر این مسأله است که حرکت اجتماعی برای تغییر الگوهای جامعه مصرفی در قالب تصمیم‌گیری‌های انسانی و آزادانه تا زمانی که در درون نظام سرمایه‌داری است غیرممکن است.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. به معنی عام خرگوش است هر چند که در این مجموعه‌ها به عنوان اسم خاص به کار رفته است.

۲. از میان دیگر محققانی که اخلاقی بودن انگیزه‌های وبر را تایید کرده‌اند می‌توان موارد زیر را نام برد:

هنریش (۱۹۵۲ صص. ۳۱-۱۰۵)؛ آبراموسکی (۱۹۶۶ صص. ۱۵-۱۴ و ۸۵-۱۶۱)؛ میتزمان (۱۹۷۱)؛ مومسن (۱۹۷۴ فصل ۵)؛ شلوختر (۱۹۷۹) و لوین (۱۹۸۱).

مصرف‌گرایی و امکان تصمیم عقلانی: بررسی تطبیقی رمان نگران نباش ... ۱۱۳

۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد تاریخچه فروشگاه‌های ای اند پی رجوع کنید به

Walsh, William. (1986) *The Rise & Decline of the Great Atlantic and Pacific Tea Company*. New York: L. Stuart.

۴. ساندی سکول مدرسه‌ای است برای آموزش مسائل مذهبی به کودکان.

۵. به عنوان مثال می‌توان گفت که وظیفه دانشجو این است که درس بخواند، با اخلاق باشد و در خوابگاه لباس‌هایش را بشورد. هر چند که این جمله به لحاظ دستوری و معنایی صحیح است اما از لحاظ سبکی یکنواخت نیست و طنز و خنده ایجاد می‌کند.

۶. سامی با حروف اول این دو کلمه دو اسم روسی می‌سازد و آن‌ها را جایگزین این دو کلمه می‌کند.

۷. عبارت انگلیسی به شرح زیر است که در آن به ناچار، به خاطر اینکه هر دو کلمه با یک صدا شروع شوند، به جای asparagus که به معنی مارچوبه است، از سیب استفاده کرده‌ایم.  
...there was a third thing, began with A, asparagus, no, ah, yes, applesauce!

## کتاب‌نامه

اباذری، یوسف و آرمان ذاکر (۱۳۹۷). «سه دهه همنشینی دین و نئولیبرالیسم در ایران». *تجدد اقتصاد سیاسی*.

گودرزی، محسن و عباس عبدی (۱۳۹۵). *صدایی که شنیده نشد، نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسعه نامتوازن در ایران*. تهران: نشر نی.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۴). *سنجش سرمایه اجتماعی کشور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات*.  
محب‌علی، مهسا. (۱۳۹۵) *نگران نباش*. تهران: نیماژ.

Arp, Thomas R. & Johnson, Greg. (2006) *Perrine's Literature: Structure, Sound and Sense Vol. I*. Boston: Thomson.

Bottomore, Tom. (2002) *The Frankfurt School and Its Critics*. New York: Routledge.

Burchard, Rachel C. (1971) *John Updike: Yea Sayings*. Carbondale and Edwardsville, IL: Southern Illinois University Press.

Detweiler, Robert. (1972) *John Updike*. New York: Twayne Publishers, Inc.

Hamilton, Alice and Kenneth. (1970) *The Elements of John Updike*. Grand Rapids, MI: Eerdmans Publishing Company.

Horkheimer, Max and Adorno, Theodor W. (2002) *Dialectic of Enlightenment: Philosophical Fragments*. Trans. Jephcott, Edmund. Stanford: Stanford University Press.

Keener, Brian. (2005) *John Updike's Human Comedy: Comic Morality in the Centaur and the Rabbit Novels*. New York: Peter Lang.

- Levinson, Marc. (2011) *The Great A & P and the Struggle for Small Business in America*. New York: Hill and Wang.
- Lowith, Karl. (1982) *Max Weber and Karl Marx*. London: Allen & Unwin.
- Macnaughton, William R., ed. (1982) *Critical Essays on John Updike*. Boston: G.K. Hall and Company, 1982.
- Markle, Joyce. (1973) *Fighters and Lovers*. New York: New York University Press.
- Newman, Judie. (1988) *John Updike*. New York: St. Martin's Press.
- Oates, Joyce C. (1975) "Updike's American Comedies." *Modern Fiction Studies*. (Autumn, 1975) 21-3. 459-72.
- Schluchter, Wolfgang. (1979) "The Paradox of Rationalization and Valueneutrality and the Ethic of Responsibility," in *Max Weber's Vision of History*. Guenther Roth and Wolfgang Schluchter. Berkeley: University of California Press. 11-116.
- Stearns, Jennie et al. (2011) "Resistance on Aisle Three?: Exploring the Big Curriculum of Consumption and the (Im)Possibility of Resistance in John Updike's 'A&P.'" *Curriculum Inquiry*. (June 2011). 41-3. 394-415.
- Updike, John. (1962) *Pigeon Feathers and Other Stories*. New York: Alfred A. Knopf.
- Vargo, Edward P. (1973) *Rainstorms and Fire*. Port Washington, NY: Kennikat Press.
- Walsh, William. (1986) *The Rise & Decline of the Great Atlantic and Pacific Tea Company*. New York: L. Stuart.
- Weber, Max. (1949) *The Methodology of the Social Sciences*. Trans. And ed. Shils, Edward A. and Finch, Henry A. New York: Free Press.
- Weber, Max. (1975) *Roscher and Knies: The Logical Problems of Historical Economics*, trans. Oakes, Guy. New York: Free Press.
- Wood, Ralph C. (1988) *The Comedy of Redemption: Christian Faith and Comic Vision in Four American Novelists*. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- Yerkes, James, ed. (1999) *John Updike and Religion*. Grand Rapids, MI: W.B. Eerdmans.